

هتك ناموس و روابط جنسی نامشروع

بخش اول - سن زن بین پانزده و هیجده سال تمام

زنای بدون عنف و تهدید وقتی که زن بین پانزده سال تمام و هیجده سال تمام دارد مشمول بند ب از ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی است .

پاراگراف اول - تعریف جرم

بند ب از ماده ۲۰۷ میگوید.

هر کسی بدون عنف یا تهدید هتك ناموس زنی را بنماید که بیش از پانزده سال داشته ولی سن هیجده سال تمام نرسیده است بحبس با اعمال شاقه از سه تا هفت سال محکوم خواهد شد . «
عناصر تشکیل دهنده جرم -

۱ - عنصر مادی

بنا بر تعریفی که بند ب ماده ۲۰۷ نموده است عنصر مادی جرم عبارتست از رابطه جنسی فیما بین مرد و زنی که بین ۱۵ و ۱۸ سال تمام داشته باشد با رضایت زن بنا بر این :

الف - مجرم باید مردی باشد .

ب - طرف جرم بایستی زنی باشد که بین ۱۵ و ۱۸ سال تمام داشته و در حین عمل حیات داشته باشد .

ج - عمل مادی جرم از نظر دخول باید کامل باشد و گرنه عنوان جرم فرق خواهد کرد .

۲ - عنصر معنوی مجرم :

عنصر معنوی جرم حاوی دو قسمت است بشرح زیر .

الف - سوء قصد جرم

در مورد هتك ناموس چه با تهدید و عنف باشد و چه بدون آن وجود قصد در جرم محقق است زیرا بدون آن عمل فیزیکی که مبنای جرم شناخته شده امکان پذیر بنظر نمیرسد . ولی مطالعه در نوع قصد از این جهت ممکن است مؤثر در موضوع باشد که

هتك ناموس و روابط جنسی نامشروع

بدانیم آیا مجرم در عمل عمدی خود چه نیتی داشته است؟ آیا با علم بعدم مشروعیت رابطه اقدام به نزدیکی کرده است یا اینکه تصور نمیکرده با کسی که طرف اوست رابطه زوجیت دارد. زیرا امکان اینکه ناسبرده با تصور وجود رابطه زوجیت با زنی نزدیکی نموده باشد می‌رود. قانون نیز امکان وقوع چنین عملی را پیش‌بینی کرده و از آن بنام «**زنای بمبئه**» ناسبرده است. بنابراین آنچه وجود رابطه جنسی را جرم تلقی کرده است عدم مشروعیت آنست با علم و اطلاع طرفین جرم که در این صورت قصد مجرم بر سببای سوء نیت میباشد.

ب - رضایت زن - عنصری که جرم هتك ناموس را از این جرم تفکیک میکند همین رضایت زن است که تحت عنوان «فقدان عنف و تهدید» در بند ب از ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی از آن یاد شده است و بطوریکه بعداً خواهیم دید وجود همین عنصر موجب شده که زن نیز بعنوان زانیه قابل مجازات شناخته شده است.

رضایت زانیه ممکن است صریح و قاطع یا ضمنی باشد ولی در هر حال بایستی این رضایت عالماً و عامداً بوده و در حین وقوع جرم وجود آن محقق باشد بنحوی که عمل زنا بدون اعمال عنف یا تهدید انجام پذیرد.

۳ - مجازات

علاوه بر مرد که سمت مجرم اصلی را دارد زن نیز که رضایت بعمل داده است قابل مجازات شناخته شده است و ما هر کدام از این دورا جداگانه مورد بحث قرار میدهیم.

الف - مجازات مرد

بطوریکه قبلاً گفته شد مجازات مرد از سه الی هفت سال حبس با اعمال شاقه است ولی کیفیات مشدده بشرح زیر آنرا تا حبس ابد با اعمال شاقه بالا میبرد.

کیفیات مشدده

- در صورت وجود یکی از کیفیات مشدده در بند الف فاعل جرم زنای بدون اعمال عنف و تهدید بحد اکثر مجازات (هفت سال حبس با اعمال شاقه) محکوم خواهد شد . سابقاً این کیفیات را مفصلاً شرح داده ایم معذالک مجدداً فهرست وار از آن یاد میکنیم .
- ۱ - هر گاه مرتکب معلم یا لاله یا مستخدم زن یا مستخدم کسی باشد که نسبت بزنا سمت صاحب اختیاری دارد یا کسی باشد که زن در تحت اختیار یا نفوذ او واقع شده .
 - ۲ - شرط دوم مندرج در بند الف در باره این جرم صادق نیست زیرا کمتر بودن سن زن از هیجده سال تمام یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم است نه کیفیت مشدده .
 - ۳ - اگر زن در علقه زوجیت دیگری باشد .
 - ۴ - اگر دختر باکره باشد .

۵ - شرط پنجم نیز عملاً مورد استفاده نمیتواند باشد زیرا شرط مزبور ناظر بموردی است که مجرم از ضعف قوای دماغی یا جسمی مجنی علیها سوء استفاده نموده و با اعمال عنف و تهدید مرتکب جرم شده است و درین مورد که رضایت زن یکی از ارکان

هتك ناموس و روابط جنسی نامشروع

اساسی جرم است موضوع مقاومت طبعاً منتفی است. معذالک از یک نکته نبایستی غافل بود بدین معنی که اگر رضایت زن بر اثر تمهید مقدماتی از طرف مجرم از قبیل عارضه مستی و نظایر آن بدست آمده باشد چنین رضایتی نبایستی در ماهیت جرم حقیقی که هتك ناموس بعنف است تغییری بدهد.

۶ - اگر مرتکب در حین عمل زن دیگری داشته باشد.

بعلاوه قانون گذار مانند بند الف قائل به کیفیت مشدده خاصی شده است و عیناً آنچه در قسمت اخیر بند الف ذکر کردیم در مورد بند ب نیز مورد نظر قرار گرفته است. بنابراین چنانچه مرتکب یکی از اشخاص مندرج در زیر باشد مجازاتش حبس مؤبد با اعمال شاقه خواهد بود.

الف - از اقربای نسبی تا درجه سوم زن باشد.

ب - از اقربای سببی درجه اول زن باشد.

ج - قیم زن باشد.

د - مأمور دولت باشد که زن از طرف مقامات رسمی بوی سپرده شده باشد.

ه - از محارم زن باشد.

مصونیت از تعقیب

کیفیات مخفیه و عفو - مرور زمان

در فصل پیش هنگام بحث درباره سه موضوع فوق (مصونیت از تعقیب - کیفیات مخفیه و مرور زمان) نکته ای ناگفته باقی نماند و کلیه جهاتی که مورد توجه قانونگذار در زنای بعنف و تهدید قرار گرفته است درباره این جرم نیز صادق است. منتهی بایستی در نظر داشت که قانون گذار صرفاً برای اینکه مرتکب بخاطر اجرای نیت شوم خود متوسل به عنف یا تهدید نشده است در باره وی ارفاق بیشتری کرده و مدت حد اکثر مجازات ویرا تخفیف داده است. ولی یک موضوع در اینجا قابل توجه است بدین معنی که چون زن نیز خود مجرم قلمداد شده لذا غالباً از طرح شکایت خودداری مینماید و از طرفی چون سن وی کمتر از هیجده سال تمام است علی الاصول در صورتیکه شکایتی هم بنماید بایستی با جلب نظر و رضایت ولی یا قیم وی توأم باشد و اشخاص مزبور نیز برای حفظ آبروی خود و از ترس اینکه خود زن نیز قابل مجازات بوده و ممکن است تحت تعقیب قرار گیرد بهرنحوی که شده میل دارند قبل از مراجعه بدادگاه کار را در خارج اصلاح نمایند. بنابراین بهتر است که قانون گذار ترتیبی اتخاذ نماید که حیثیت زن بیشتر لگد مال نشود و هم مجرمین مورد مواخذه قرار گیرند که اجتماع نیز از جرائم بعدی مجرم مصون بماند.

ب - مجازات زن

بطوریکه قبلاً هم اشاره کردیم زنی که تمکین بعمل هتك ناموس بنماید قابل

تعقیب و مجازات است متن جمله مزبور بشرح زیر است :

« طرف ارتکاب که تمکین از آن نموده نیز بمجازات حبس در دارالتأدیب از یکسال الی پنج سال محکوم خواهد شد . »

جمله مزبور صریحاً معلوم نکرده است که آیا منظور قانون این است عمل تمکین خود جرم مستقلی است یا اینکه عنوان زن درین جا شریک یا معاون جرم خواهد بود . بنابراین بایستی با توجه بقانون بینیم آیا عمل زن شرکت و یا معاونت در جرم محسوب میشود یا اینکه خود جرم مستقل و جداگانه ای است .

ماده ۳۷ قانون مجازات عمومی در تعریف شرکاء و معاونین جرم اینطور مینویسد :

« هرگاه چند نفر مرتکب یک جرم شوند بنحویکه هر یک فاعل آن جرم شناخته شود مجازات هر یک از آنها مجازات فاعل است و اگر هر کدام یک جزء از جرم واحد را انجام دهند بطریقیکه مجموع آنها فاعل آن جرم شناخته شوند شرکاء جرم محسوب میشوند . »

بنابراین قانون برای شرکت در جرم دو ترتیب پیشبینی کرده است حال باید دید که آیا عمل هتك ناموس که حداقل وجود دونفر برای وقوع آن لازم است بایکی از دوشق ماده ۲۷ قابل انطباق هست یا خیر ؟

با توجه باینکه جرم منظور نظر « هتك ناموس بدون عنف و تهدید » و کیفر آن طوری نیست که بشود هر یک از طرفین را به تنهایی فاعل آن جرم دانست بنابراین شق اول در مورد این جرم صادق نیست زیرا شق مزبور جرائمی را مطرح نظر قرار داده است که هر یک از شرکاء جرم میتواند به تنهایی مرتکب آن بشود مثل اینکه عده ای در حالت جمع مرتکب دزدی بشوند و بعد در جریان رسیدگی هر کس عمل ربودن را که یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم است بدیگری نسبت دهد . درین حالت چون شناختن فاعل اصلی امکان پذیر نیست لذا قانون کلیه آنها را در یک صف وردیف قرار داده است و بیک نسبت مجازات میکند اما در مورد جرم هتك ناموس این قاعده نمیتواند مجری گردد زیرا فقط مرد است که میتواند مرتکب جرم هتك ناموس بشود .

اما مورد دوم - ظاهر ماده طور نیست که میتوان گفت بر جرم مورد نظر صادق است زیرا هر یک از دونفر (مرد و زن) قسمتی از جرم را مرتکب میشوند و بدون وجود آن دیگری امکان وقوع جرم نمیرود چه آنکه اگر مرد وجود نداشته باشد علی الاصول وقوع جرم ممکن نیست و اگر زن راضی باجرای آن نباشد جرم عنوان دیگری (هتك ناموس بعنف) را خواهد داشت که در جرم مزبور زن از مجازات معاف بوده و حتی میتواند بعنوان شاکی خصوصی تقاضا نماید که دادگاه مجرم را پرداخت خسارات و زیانهای مادی و معنوی محکوم نماید .

با اینهمه در اینجا نیز نمیتوان زن را شریک جرم دانست زیرا با توجه به ماده ۲۷ قانون مجازات عمومی محقق است که نظر قانون گذار بر این بوده که هر یک از شرکای جرم را قادر بانجام جرم دانسته و سپس مجازات هر یک را حداقل مجازات فاعل مستقل دانسته است . در صورتیکه :

هتك ناموس و روابط جنسی نامشروع

اولاً - درمورد جرم مورد بحث فاعل مستقل مفهومی ندارد یعنی وجود زانی وزانیه برای امکان وقوع جرم هردو ضروریست و در ثانی قانون برای هر یک از طرفین جرم مجازات مستقلی پیش بینی نموده است. در صورتیکه اگر قرار بود نامبردگان شریک جرم (از دسته دوم) محسوب شوند لازمه اش این بود که مجازات هردو از یک درجه باشد و بعلاوه حداقل مجازات مقرر برای فاعل مستقل جهت هر یک در نظر گرفته شود.

ممکن است گفته شود که تعیین مجازات حبس تأدیبی برای زانیه از این نظر بوده که برطبق ماده ۳۶ قانون مزبور مجازات اشخاصیکه سن آنها بین ۱۵ الی ۱۸ سال تمام باشد درمورد جرائم جنائی حبس در دارالتادیب است در مدتیکه زائد بر پنج سال نباشد. لکن در این مورد خاص، قانون تبعیت از این اصل کلی نکرده است زیرا صرف نظر از اینکه مجازات مرد را تخفیف نداده است در موارد خاص تا حبس ابد با اعمال شاقه نیز بالا برده است. بنابراین مذكور محقق است که درین مورد مسئله شرکت در جرم مطرح نیست اینک بینیم که آیا معاونت در جرم در این باره صادق میتواند باشد یا خیر؟ ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی برای معاونت در جرم سه حالت در نظر گرفته است.

« اشخاص ذیل معاون جرم محسوبند :

۱ - کسانیکه باعث و محرك ارتكاب عملی شوند که منشاء جرم است و بواسطه تحریک و ترغیب آنها آن عمل واقع شود.

۲ - کسانیکه تبانی بر ارتكاب جرم کرده و بواسطه تبانی آنها آن جرم واقع شود.

۳ - کسانیکه با علم و اطلاع از حیث تهیه و تدارك آلات و اسباب جرم یا تسهیل اجرای آن بهرنحو یا مباشر جرم کمک کرده اند. »

شقوق اول و سوم ماده بطور کلی قابل انطباق بجرم زنا نیست ولی درمورد شق دوم محتاج بتوضیح بیشتری هستیم. فواز دوم ماده مزبور با جرم زنا از این حیث قابل تطبیق است که ظاهراً وقوع جرم زنا بر اثر تبانی بین یک مرد (زانی) و یک زن (زانیه) ممکن میگردد ولی دو اشکال بر این نظریه وارد است.

۱ - اشکال اول اینست که علی الاصول درمورد معاونت در جرم برای معاون هر جرمی مجازات خاصی تعیین نشده است بلکه برطبق ماده ۲۹ قانون میزان مجازات معاون جرم با توجه بچند عامل برعهده قاضی محول گردیده است :

« ماده ۲۹ - در مورد معاونین جرم محکمه میتواند نظر باوضاع و احوال قضیه و یا نظر بکیفیات معاونین مجرم را بهمان مجازاتی که برای شریک جرم مقرر است محکوم نماید و یا مجازات را از يك الی دو درجه تخفیف دهد. »

درمورد جرم مورد بحث از این رویه پیروی نشده و مجازات زانیه صریحاً تعیین گردیده است.

هتك ناموس و روابط جنسی لامشروع

۲ - اشکال دوم اینست که باتوجه به متن ماده ۲۹ در تعیین میزان مجازات معاونین مجرم معلوم میشود که قانون متوجه این موضوع بوده که در هر حال وجود معاون مجرم ملازمه باوجود مجرم اصلی دارد و نیز معتقد بوده که مجرم اصلی بثنهائی هم ممکن بوده است مرتکب جرم بشود و در ارتکاب جرم محدود بهمان موارد سه گانه ایست که صریحاً تعیین شده است. در صورتیکه در جرم زنا :

اولاً - نمیتوان صریحاً گفت که کدامیک مجرم اصلی بوده و کدامیک معاون جرم میباشد.

ثانیاً - محقق است که وقوع جرم زنا بدون وجود هریک از آن دو اسکان پذیر نیست بنابراین بایستی معتقد شویم که در جرم زنا اختصاصاً عنوان شریک و معاون جرم برای زن یا مرد صحیح نیست. حال بینم که جرم زن را تحت چه عنوانی میتوانیم مورد رسیدگی قرار دهیم.

جرم زن

بند ب در قسمتی که راجع بمجازات زن است مینویسد :

« طرف ارتکاب که تمکین از آن نموده است ». پس جرم زن را بایستی در تمکین بعمل منافی عفت دانست. عناصر تشکیل دهنده این جرم را از خلال کلمات مزبور بیرون میکشیم.

عنصر مادی

- ۱ - زنیکه درحین ارتکاب جرم بین ۱۵ و ۱۸ سال تمام دارد.
- ۲ - مردیکه عمل هتك ناموس را انجام داده است.
- ۳ - عمل مادی.

عنصر معنوی

رضایت و تمکین زن براینکه عمل هتك ناموس باوی بشود. این رضایت ممکن است صریح یا ضمنی باشد و چون سابقاً هنگام تشریح جرم هتك ناموس بدون اعمال عنف و تهدید درباره سایر عناصر صحبت کرده ایم لذا نیازی بتکرار آن نیست. لکن بار دیگر تکرار میشود که جرم مرد و زن قابل تفکیک از یکدیگر نمیشد.

کیفیات مشدده

کیفیت مشدده خاصی مطمح نظر قانونگذار قرار نگرفته زیرا حد اکثر مجازاتی که ممکن است برچنین مجرمی تحمیل کرد همان پنج سال حبس در دارالتأدیب است. ولی در هر حال قاضی میتواند باتوجه بمیزان مسئولیت زن، در واقع شدن جرم، مدت حبس را بین یک تا پنج سال تعیین نماید.

کیفیات مخففه

باید توجه داشت که قانون با توجه بسن مجرم (زانیه) کیفیت مخففه خاصی

هتك ناموس و روابط جنسی نامشروع

درباره وی مبذول داشته است و در حالیکه برای مرد مجرم مدت را تا حبس ابد با اعمال شاقه منظور داشته برای زن بعثت کمی سن فقط تا پنج سال حبس در دارالتأدیب مقرر داشته است. در صورتیکه بطوریکه بعداً خواهیم دید از نظر قانون گذار مسئولیت زن و مرد هر دو بیک اندازه در نظر گرفته شده است.

مصونیت از تعقیب

در صورتیکه امکان ازدواج فیما بین زن و مرد مجرم باشد قانون صریحاً مرد را از مجازات معاف داشته است بنابراین مجوزی باقی نمیماند که زن را با امکان حصول این شرط مصون از مجازات ندانیم.

عفو

در مورد عفو نیز زانیه میتواند از مزایای آن برخوردار شود.

۴ - شروع بجرم

شروع بجرم درین مورد عبارتست از تمهید و تعبیه مقدماتی که برای انجام جنایت لازم است از قبیل رفتن بمحل خلوت و هم آغوشی و آمادگی های دیگر. بطوریکه اگر حادثه غیر مترقبه ای رخ ندهد انجام عمل مادی امکان پذیر باشد. در چنین حالتی قانون مرتکبین را قابل مجازات شناخته است. لکن ممکن است قبل از ارتکاب جرم یکی از طرفین از انجام آن منصرف شود و یا حالت دیگری پیش آید که ذیلاً درباره آنها بحث میکنیم:

۱ - در صورتیکه بعثت بروز حوادث غیر مترقبه که اراده طرفین ارتکاب در آن مداخلیتی نداشته باشد جرم واقع نشود. در این صورت با توجه بماده بیست قانون مجازات عمومی مجازات مرد سه سال حبس با اعمال شاقه (حداقل مجازات جرم هتك ناموس) و مجازات زن نیز یکسال حبس دارالتأدیب خواهد بود.

درین صورت مجازات مرد برای شروع بجرم هتك ناموس اعم از اینکه متوسل به عنف و یا تهدید نشده باشد همان سه سال حبس با اعمال شاقه است که از نظر عدالت صحیح نیست.

۲ - حالتی که جرم زنا بعثت امتناع مرد از ارتکاب معلق میماند. درین صورت اگر آن مقدار اعمال انجام گرفته خود جرم خاصی نباشد دلیلی برای مجازات هیچیک از طرفین وجود ندارد. و در صورتیکه اعمال انجام شده دارای عنوانی باشد بهمان جهت قابل تعقیب و مجازات میباشند.

۳ - اثر امتناع زن از اینکه طرف ارتکاب باشد. امتناع زن از وقوع جرم دارای اثرات متفاوتی درباره خودش و مرد میباشد زیرا پس از امتناع اگر مرد نیز تسلیم بوی شده و از ارتکاب جرم خودداری نماید مانند حالت قبل خواهد بود و اگر نامبرده متوسل به عنف و تهدید بشود مجازات وی سه سال حبس با اعمال شاقه بعنوان شروع بجرم هتك ناموس به عنف و تهدید خواهد بود.

۵ - مرور زمان

از نظر مرد مجرم موضوع مرور زمان و شقوق آن همانست که در مورد زنانی به عنف گفته شد لیکن از نظر اینکه مجازات زن با توجه بمدت و نوع آن تأدیبی محسوب میشود آیا بایستی مرور زمان مربوط به جنحه را درباره وی اعمال نمائیم یا مرور زمان مربوط به جنایت را ؟

بنظر اینجانب درست است که مجازات حداکثر پنج سال حبس در دارالتأدیب تعیین شده است لیکن این تخفیف مجازات که فقط با توجه بسن متهم درباره مشارالیها رعایت شده است در ماهیت جرم که جنایت باشد تأثیری نداشته و نباید از حیث مدت مرور زمان درباره مرد و زن مجرم قائل به تفکیک شویم. بنا بر این مدت مرور زمان و سایر مسائل مربوط بان بهمان ترتیبی است که در قسمت اول (راجع به هتك ناموس به عنف) گفته شده است .

۶ - صلاحیت محکمه

علی الاصول رسیدگی بجرائم جنائی در صلاحیت محاکم جنائست (ماده ۱۸۵ قانون آئین دادرسی کیفری) و در موردی هم که یکی از مجرمین سنش کمتر از ۱۸ سال تمام است همان محکمه جنائی نسبت بجرائم کلیه متهمین رسیدگی نموده و حکم مقتضی (با توجه به سن هر یک) صادر مینماید .

اگر مرد وزن هر دو کمتر از هیجده سال تمام داشته باشند محکمه جنحه صالح برای رسیدگی خواهد بود لیکن در این موارد خاص موضوع جالبی درپیش است بدینمعنی که ماده ۳۷ قانون مجازات عمومی که اجازه داده است بجرائم اشخاص کمتر از هیجده سال هم در همان محکمه ای رسیدگی شود که نسبت بمجرمین اصلی صلاحیت رسیدگی دارد مربوط بشرکا و معاونین مجرم است و در مورد این جرم خاص ما قبلاً گفتیم که زانیه شریک و یا معاون جرم محسوب نمیشود که بتوان ویرا با مجرم اصلی در یک محکمه (دادگاه جنائی) محاکمه کرد . لیکن از نظر اینجانب با علم باینکه زانیه عنوان شریک و یا معاون مجرم را ندارد معذالک برای رعایت تشریفات دادرسی و تسهیل کردن آن چاره ای جز این نداریم که بجرم زانی و زانیه با اینکه کمتر از هیجده سال دارد در دادگاه جنائی رسیدگی کنیم . بدیهیست که اگر بر اثر وجود عاملی زانی از تعقیب مصون بماند فقط دادگاه جنحه صالح برای رسیدگی بجرم زانیه میباشد و بس .

در مورد صلاحیت محکمه موضوعات دیگری نیز برای گفتگو وجود دارد و آن موقعیست که مرد یا زن مدعی وجود یا عدم وجود رابطه زوجیت با طرف دیگر بشود . در فصول آینده راجع به این موضوع به تفصیل بحث خواهیم کرد .

بخش دوم - زانیه بیش از هیجده سال تمام دارد

اساساً باید در نظر داشت که قانون در کلیه مواردیکه هتك ناموس بدون اعمال عنف و تهدید انجام میگردد دو نفر را مجرم شناخته مگر در دو مورد .

هتك ناموس و روابط جنسی نامشروع

مورد اول وقتی است که مجنی علیها کمتر از ۱ سال تمام داشته باشد و در این صورت بطوریکه قبلاً تذکر داده شد قانونگذار رضایت ویرا بعلت کمی سن مخدوش در حکم دانسته است که علاوه بر اینکه ویرا از تعقیب مصون نموده جرم مرتکب را برابر با هتك ناموس به عتف قرار داده است.

مورد دوم بموجب ماده ۲۰۸ مکرر پیش‌بینی شده و مربوط به هتك ناموس و ازاله بکارت از دختریست که پیش از هیجده سال تمام دارد. مانیز به پیروی از قانون حالات خاصی را که ممکن است وجود داشته باشد بشرح زیر تحت بررسی قرار میدهم.

بطور کلی برای زنای بدون عتف و تهدید با زنانیکه بیشتر از هیجده سال تمام دارند پنج حالت متصور است.

حالت اول - ازاله بکارت از دختری که پیش از هیجده سال تمام دارد.

حالت دوم - زنای با محارم.

حالت سوم - زنای زن شوهردار.

حالت چهارم - زنای مرد زن دار.

حالت پنجم - زنای مرد با زن شوهردار.

سه حالت اخیر بجهت متعدد شبیه به یکدیگرند لیکن چون بعضی از عناصر تشکیل دهنده آنها با یکدیگر تطبیق نمیکند ما نیز جداگانه آنها را مورد بررسی قرار میدهم

حالت اول - ازاله بکارت از دختری که پیش از هیجده سال دارد

پاراگراف اول - تعریف جرم

بر طبق ماده ۲۰۸ مکرر قانون مجازات عمومی « هر کس ازاله بکارت دختری را بنماید و عمل او مشمول هیچیک از دو ماده قبل نباشد ... »

۱ - عنصر مادی جرم

الف - مرد مجرم - با توصیفی که ماده ۲۰۸ مکرر نموده است مرد مزبور بایستی سمت محرمیت با مجنی علیها را نداشته باشد زیرا در این صورت جرم مشمول بند ج از ماده ۲۰۷ خواهد شد که ما آنرا تحت عنوان زنای با محارم تحت رسیدگی قرار خواهیم داد.

ب - مجنی علیها - سن مشارالیه بایستی از هیجده سال بیالا باشد. بعلاوه در حین وقوع جرم بایستی با کوره و در قید حیات باشد.

ج - عمل مادی - عبارتست از ازاله بکارت دختر. لازم نیست که حتماً عمل ازاله بر اثر نزدیکی واقع شده باشد زیرا قانون تصریحی در این باره ندارد و همینقدر که محقق شد که مجرم، مرتکب ازاله بکارت شده است جرم تحقق یافته و ناسبرده قابل مجازات است.

۲ - عنصر معنوی - عنصر معنوی جرم شامل قصد مرتکب به ازاله بکارت و رضایت مجنی علیها بر آنست.

الف - قصد مرتکب - قصد مرتکب بایستی مبنی بر ازاله بکارت باشد ولی عملی که منجر بازاله میشود مورد نظر مقنن قرار نگرفته است.

ب - پس از اثبات وجود قصد مرتکب رضایت مجنی علیها نیز شرط تحقق بزه است زیرا در صورتیکه از مجنی علیها ازاله بکارت شده باشد جرم مشمول بند الف از ماده ۲۰۷ خواهد بود.

۳ - مجازات

مجازات مرتکب حبس تأدیبی از یک سال تا دو سال تعیین شده است که از درجه جنحه محسوب میگردد.

اینکه میزان مجازات نسبت بسایر جرائم هم نوع آن کم میباشد بیشتر از این نظر است که مقنن فکر کرده است رضایت مجنی علیها در سن بالغ برهیجده سال تمام از روی کمال میل و رغبت بوده است و چنین زنی میتواند با اجرای عمل رضایت ندهد. از طرفی برای دختری که از وی ازاله بکارت شده است بخلاف مورد دیگر که قانون برای طرف ارتکاب نیز قائل بمجازات شده بود نیازی به تعیین مجازات ندیده است زیرا چنین دختری بزرگترین مجازاتها که همان ازاله بکارت است دچار گردیده و بعلاوه در صورتیکه برای وی نیز مجازاتی در نظر میگرفت ممکن بود مشارالیها که قانوناً بالغ بوده و تحت سرپرستی یا ولایت کسی نیست از انجام شکایت بعلت اینکه مبادا خود وی نیز تحت تعقیب قرار گیرد منصرف بشود که این موضوع مورد تأیید جامعه نمیتوانست قرار بگیرد. و نیز چنین دختری میتواند پس از شکایت از مرتکب وسیله دادگاه ویرا مجبور سازد که با مشارالیها ازدواج نماید و این بزرگترین شانس است که قانون برای وی امکان رسیدن آنرا فراهم ساخته است.

پاراگراف دوم - مسائل مختلف

درین پاراگراف به مسائلی از قبیل کیفیات مشدده و مخففه - مصونیت از تعقیب و نظائر آن میپردازیم.

۱ - کیفیات مشدده

ماده ۲۰۸ مکرر خیلی خلاصه بوده و در باره کیفیات مشدده سکوت اختیار کرده است. زیرا علی الاصول طبع جرم طور است که نمیتوان آنرا مشمول کیفیات مشدده سابق قرارداد مگر در یکی دو مورد خاص از قبیل اینکه مثلاً مرتکب در علقه زوجیت دیگری باشد.

۲ - کیفیات مخففه

کیفیت مخففه خاصی نیز منظور نظر مقنن نبوده است ولی کما فی السابق نامبرده میتواند از کیفیات مخففه عام استفاده نماید.

۳- مصونیت از تعقیب

برطبق قسمت اخیر ماده ۲۱۲ مکرر چنانچه امکان ازدواج فیما بین مرتکب و مجنی علیهما میسر باشد و این ازدواج بعمل آید مرتکب از تعقیب و مجازات مصون خواهد ماند. درباره گذشت شاکی خصوصی نیز بایستی متذکر شد که هر چند ظاهراً ماده ۲۷۷ که موارد گذشت شاکی خصوصی را ذکر کرده نامی از ماده ۲۰۸ مکرر نبرده ولی حقیقت امر اینست که ماده ۲۰۸ مکرر بعد از تصویب ماده ۲۷۷ بوجود آمده و جرم منظور در آن در ضمن ماده ۲۱۳ سابق گنجانده شده بوده که گذشت شاکی خصوصی در ماده مزبور مانع تعقیب و مجازات مرتکب بوده است. بنا بر این کلیه مواردیکه در جرائم سابق مرتکب میتوانست از مصونیت استفاده نماید در این مورد هم برای وی قابل استناد است.

۴- عفو

مرتکب میتواند از مقررات ماده ۵۰ قانون مجازات عمومی در مورد عفو استفاده نماید.

۵- مرور زمان

مرور زمان در جرحه دارای دو مرحله است - یکی آنکه اساساً متهم تحت تعقیب قرار نگرفته و یا اگر مورد تعقیب واقع شده امر منتهی بصدور حکم قطعی نشده باشد درین حالت مدت مرور زمان سه سال تمام از آخرین تعقیب یا در صورتیکه اقدامی بعمل نیامده باشد از تاریخ ارتکاب جرم میباشد. دیگر آنکه ممکن است حکم قطعی بر محکومیت ناسپرده صادر شده ولی اجرا نشده باشد درین صورت مدت مرور زمان پنج سال از تاریخ صدور حکم قطعی خواهد بود.

گامه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی